



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

...

یادتان به خیره خانه‌های اجدادی!

بررسی ضرورت و فرهنگ آپارتمان نشینی

گاهی برای پیشرفت
باید به گذشته برگشت.

...



•••

خانه که می‌گویم، دست خودم نیست
ذهنم مثل برق به سوی خانه‌ای می‌دود که
اهلش مدار زمین و زمان اند
خانه‌ای که هر چند مساحتش اندک
اما نه فقط بر زمین، که حتی محیط بر آسمان است.
پدربزرگی دارد این خانه که بهانه آفرینش همه دنیا است.
این خانه، شب‌ها با چراغی روغنی روشن می‌شود
اما مادری که زیر سقفش نفس می‌کشد
منبع نور زمین و آسمان و حتی بهشت خداست.
شغل پدر، تقسیم بهشت و جهنم است میان خلائق.
دست فرزندان این خانه را که بگیری
تورا یک راست می‌برند تا خود آسمان، خود بهشت
و اصلاً تورا می‌نشانند کنار خود خدا.
خانه‌ات بهشت می‌شود
اگر با اهل این خانه برو بیا داشته باشی.

اهل خانه وحی، اصحاب کسا
مصطفی و مرتضی، فاطمه زهرا، کریم آل طه و
سیدالشهداء علیهم‌السلام

تقدیم به



گاهی وقتا آدم دوست داره، یه مطلبی رو، هم بخونه و هم بشنوه.
گوشی شما اگه هوشمنده، کافیه برنامه بارکدخوان رو فعال کنید
و قسمتی که بارکد دارن رو با صدای نویسنده کتاب گوش کنید.

فهرست یادتان به خیر، خانه‌های اجدادی!

۱۳ • مقدمه

بخش اول

نقش نقشه خانه در آرامش (معماری و زندگی)

۲۳ • فصل اول آپارتمان‌نشینی و شادابی اعضای خانواده

• ۲۵ آپارتمان‌نشینی و شادابی

• ۲۶ الف) مساحت کم و سقف کوتاه

• ۳۶ ب) نداشتن حیاط

• ۳۸ ج) نورگیری ضعیف

• ۴۰ د) معماری خشک و بی‌روح

• ۴۳ هـ) دوری از طبیعت

• ۴۵ و) ناامنی روانی

• ۵۲ ز) استفاده کمتر از هوا

• ۵۴ شادابی و نقش آن در روابط زوجین

• ۵۷ فصل دوم آپارتمان‌نشینی و تربیت فرزند

• ۵۹ محدودیت‌های آزار دهنده

• ۶۲ ۱. شرارت

• ۶۲ ۲. افسردگی

• ۶۳ ۳. ساکن شدن اجباری کودکان و رسانه‌ای شدنشان

• ۶۴ ۴. امر و نهی‌های زیاد و تبعات آن

• ۷۱ رسانه‌ای شدن کودکان آپارتمانی

• ۷۶ پیامدهای جسمی رسانه‌ای شدن

• ۷۶ ۱. مشکلات ناشی از کم شدن تحرک

۲. مشکلات ناشی از اختلال در خواب	۷۹
پیامدهای تربیتی رسانه‌ای شدن	۸۲
۱. از بین رفتن دوران کودکی	۸۲
۲. اختلال در رابطه کودک با والدین	۸۳
۳. عوض شدن مرئی	۸۶
۴. ضعف فرهنگ مطالعه	۸۹
۵. تخیل	۸۹
۶. ترس	۹۶
۷. انزوای طلبی	۹۷
۸. خشونت و تلویزیون	۹۹
۹. قیح‌زدایی از مفاهیم زشت	۱۰۱
۱۰. تغییر عادت عاطفی	۱۰۲
۱۱. بلوغ زودرس	۱۰۴
بچه‌های آپارتمانی و تغییر در فرهنگ بازی	۱۰۷
آسیب‌های جسمی	۱۰۷
آسیب‌های روحی و عصبی	۱۰۸
الف) ترس	۱۰۸
ب) اعتیاد	۱۱۰
ج) بالا رفتن آستانه تحریک هیجان	۱۱۰
د) افسردگی	۱۱۲
ه) اضطراب	۱۱۳
و) عصبی شدن	۱۱۳
ز) بدبینی	۱۱۴
آسیب‌های تربیتی	۱۱۴
الف) پوشش و آرایش	۱۱۴
ب) پاسخ به نیازهای جنسی	۱۱۵
ج) فرهنگ برهنگی	۱۱۶
د) ضعف روحیه علمی	۱۱۶
ه) گرفتن فرصت تفکر به وسیله سرعت	۱۱۸
و) رابطه دختر و پسر- زن و مرد	۱۱۹
ز) رابطه با اعضای خانواده	۱۱۹
ح) خشونت	۱۱۹
ط) رابطه با مردم و حق الناس	۱۲۰
ی) عبادت (راه ارتباط انسان با خدا)	۱۲۲

بخش دوم

مگر می شود؟ (بررسی امکان تغییر فرهنگ آپارتمان نشینی)

- ۱۳۷ تعارض میان زندگی سخت و دعوت به زندگی در خانه حیاط دار
- ۱۴۱ مگر می شود؟
- ۱۴۱ فلسفه صحبت درباره آسیب های آپارتمان نشینی
- ۱۴۲ چرا آیه یاس؟
- ۱۴۴ چرا خودمان را تنها می بینیم؟
- ۱۴۷ خانه آپارتمانی بزرگ یا حیاط دار کوچک؟
- ۱۴۹ کمبود جا در صورت ویلایی شدن خانه ها
- ۱۵۳ ازدواج و محله
- ۱۵۷ خودتان کجا زندگی می کنید؟
- ۱۶۱ تهران، تهران
- ۱۶۱ باز هم تهران پنداری
- ۱۶۲ شهرهای کوچک هم شهر هستند
- ۱۶۳ چرا اضطراب؟
- ۱۶۵ مشکل حیوانات در خانه های قدیمی
- ۱۶۹ خانه دلت بزرگ باشد
- ۱۷۳ خانه های حیاط دار، تحت الشعاع خانه های مرتفع
- ۱۷۵ همراهی زن و شوهر
- ۱۷۵ محبت و همدلی
- ۱۷۶ گفتگو و همدلی
- ۱۷۷ مواجهه با الگوهای موفق
- ۱۷۷ رفتن به شهرهای کوچک و روستاها
- ۱۷۷ صبر و پرهیز از عجله
- ۱۷۹ خانه های بزرگ و جمعیت کم؟
- ۱۸۳ هزینه های رفت و آمد
- ۱۸۷ امنیت
- ۱۹۱ مهاجرت از تهران به روستا
- ۱۹۳ عدم تناسب فرهنگی
- ۱۹۳ حساسیت روی فرهنگ خانوادگی
- ۱۹۳ قضاوت صحیح و منصفانه
- ۱۹۴ مقصود از فرهنگ
- ۱۹۶ نزدیک شدن فرهنگ ها به یکدیگر
- ۱۹۹ مدرسه بچه ها
- ۲۰۳ ریسک پذیری

- ۲۰۹ حیاط کافی نیست
- ۲۱۳ محاسن آبارتمان نشینی
- ۲۱۳ الف) زمینه همکاری راحت تر در برخی از زمینه ها با کمیت بیشتر
- ۲۱۴ ب) امنیت بیشتر در برخی از مناطق نسبت به برخی از مناطق دیگر
- ۲۱۴ ج) هزینه کمتر
- ۲۱۵ اقتضای زمانه
- ۲۱۵ تغییرات درست یا نادرست
- ۲۱۵ غربال کردن فرهنگ های وارداتی
- ۲۱۷ حرف های شما با واقعیات تناسبی ندارد

بخش سوم

آبارتمان، آبارتمان است (فرهنگ آبارتمان نشینی)

- ۲۲۱ فصل اول آبارتمان نشینی و حقوق همسایگان
- ۲۳۰ برخی از مهم ترین حقوق همسایه
- ۲۳۰ الف) جویا شدن از احوال همسایه
- ۲۳۵ ب) اذیت نکردن و بر اذیت صبر کردن
- ۲۳۶ ج) حفظ اسرار
- ۲۳۸ د) عدم تجسس
- ۲۴۰ هـ) پاسخ به درخواست قرض
- ۲۴۰ و) شاد بودن با شادی ها و غمگین بودن با غم های همسایه
- ۲۴۱ ز) مرتفع سازی با اجازه او
- ۲۴۱ ح) مشارکت در خوراکی ها
- ۲۴۳ ط) احترام، دفاع و تنها نگذاشتن در سختی ها
- ۲۴۳ ی) خیرخواهی، حفظ آبرو و بخشش لغزش ها
- ۲۴۴ ک) دعا
- ۲۴۷ فصل دوم الزامات زندگی آبارتمانی
- ۲۴۹ الف) نقشه ساختمانی
- ۲۵۰ ب) دقت در انتخاب همسایه، قبل از خرید خانه
- ۲۵۱ ج) طبیعت و آبارتمان
- ۲۵۶ د) حفظ حریم خانه
- ۲۵۷ هـ) رعایت حق الناس
- ۲۶۰ و) استفاده مفید از تراکم جمعیت

- ۲۶۱ ز) راز داری
- ۲۶۲ ح) رعایت پوشش در محیط عمومی آپارتمان
- ۲۶۲ ط) رعایت حدود ارتباطی زن و مرد
- ۲۶۳ ی) تحمل آزار و اذیت همسایه‌ها
- ۲۶۴ دعای امام سجّاد علیه السلام در حق همسایگان

- ۲۶۷ منابع





خانه، اتاق خواب دارد؛ ولی خوابگاه نیست. در خانه، غذا می‌پزند؛ اما آشپزخانه نیست. مهمان در خانه رفت و آمد می‌کند؛ ولی مسافرخانه نیست. در خانه، فیلم و سریال هم شاید ببینند؛ اما سینما نیست. خانه، در و دیوار دارد؛ اما فقط یک چهار دیواری نیست. پس خانه چیست؟ خانه، محلّ چشیدن آرامش است. در خانه، همه چیز باید دست به سینه، در خدمت آرامش خانواده باشد. از اعضای خانواده تا در و دیوار خانه، باید خدمت‌گزار آرامش باشند. آرامش، پادشاه خانه است. کسی حق ندارد به تاج و تخت این پادشاه، دست بزند. شورش علیه این پادشاه، جرمی نابخشدنی است.

خانه اگر محلّ آرامش نبود، حتماً یک جای کار می‌لنگد. باید گشت و آن جا را پیدا کرد. شاید اهل خانه مقصّر باشند و شاید هم خود خانه! آری، می‌شود خانه، چهار دیوار داشته باشد و سقفی هم از این دیوارها سواری بگیرد؛ اما این دیوارها و آن سقف خانه، سرِ ناسازگاری داشته باشند با آرامش آدم‌های این خانه.

این روزها به نام پیشرفت و فرهنگ، دارند از همه راه، آرامش را از

ما می‌گیرند. آنهایی که با آرامش انسان مشکل دارند، همه جا سرباز دارند برای خودشان. شاید خانه‌های امروزی، یکی از سربازانشان باشد؛ شاید!

اگر تردید دارید، به این سؤال‌ها جواب بدهید: چرا وقتی پا در خانه‌های پدر بزرگ‌هایمان می‌گذاشتیم، قبل از پدر بزرگ و مادر بزرگ، این آرامش بود که ما را در آغوش می‌گرفت؟ چرا در خانه‌های امروزی، صدای پای آرامش، کمتر به گوش می‌رسد؟ اصلاً آیا خانه‌های امروزی، خودشان را مسئول آرامش ما می‌دانند؟

کمی حواسمان را جمع کنیم. آرامش، گم شده ما نیست. او به دنبال ماست. شاید این ماییم که خودمان را از چشم آرامش دور نگه داشته‌ایم. ما، گم شده آرامشیم.

کمی ساکت. اگر می‌شود، نفس‌هایمان را هم آرام بکشیم. گوش‌ها همه تیز! این صدا، صدای آرامش نیست که از پشت دیوار خانه‌های مدرن به گوش می‌رسد؟ این دیوارها چرا نمی‌گذارند آرامش به سراغ ما بیاید؟ باید فکری به حال آرامش کرد. آرامش، بدون ما آرام نیست.



بی تردید، خانه از نعمت‌های بزرگ خدا محسوب می‌شود.
خداوند عزیز در قرآن مجیدش فرمود:

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَجَعَلَ
لَكُمْ مِنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ
ظَعْنِكُمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَمِنْ أَصْوَابِهَا وَأَوْبَارِهَا

وَأَشْعَارِهَا أَثَانًا وَمَتَاعًا إِلَى حِينٍ* وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِمَّا خَلَقَ ضَلَالًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْجِبَالِ أَكْنَانًا وَجَعَلَ لَكُمْ سَرَابِيلَ تَقِيكُمُ الْحَرَّ وَ سَرَابِيلَ تَقِيكُمُ بَأْسَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْلِمُونَ.^۱

و خدا برای شما از خانه هایتان، محلّ سکونت [و آرامش] قرار داد و از پوست چارپایان نیز برای شما خانه هایی قرار داد که هنگام کوچ کردن و هنگام اقامتتان، به آسانی می توانید آنها را جا به جا کنید و از پشم و کرک و موی آنها، برای شما اثاث و متاع (وسایل مختلف زندگی) تا زمان معینی قرار داد. و [نیز] خداوند از آنچه آفریده است، سایه هایی برای شما قرار داده و از کوه ها پناهگاه هایی، و برای شما پیراهن هایی آفریده که شما را از گرما [و سرما] حفظ می کند و پیراهن هایی که به هنگام جنگ، حافظ شماست. این گونه، نعمت هاییش را بر شما کامل می کند، شاید تسلیم فرمان او شوید!

با توجه به آنچه در این کتاب خواهید خواند، باید گفت: اگر چه خانه محلّ آرامش انسان است؛ اما هر خانه ای با هر نوع معماری ای، توانایی آرامش بخشی به اعضای خانه را ندارد. معماری، یکی از ارکان اصلی آرامش بخشی خانه هاست.

در این میان، خانه های آپارتمانی، از ناتوان ترین خانه ها برای آرامش بخشی به خانواده است. دلایل این ادّعا را می توانید در این کتاب بخوانید و خود در باره آن قضاوت کنید.

۱. سوره نحل (۱۶)، آیه ۸۰.

چند لحظه‌ای به آمار خانه‌های مسکونی توجّه کنید که بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ به دست آمده است:

در سال ۱۳۹۰، مجموع خانه‌های مسکونی، نوزده میلیون و ۹۵۴ هزار و ۷۰۸ (۱۹,۹۵۴,۷۰۸) بوده که سهم خانه‌های آپارتمانی، شش میلیون و ۳۴۲ هزار و ۳۸۷ خانه، یعنی ۳۱,۷ درصد و سهم خانه‌های غیرآپارتمانی، سیزده میلیون و ۶۱۲ هزار و ۳۲۱ خانه، یعنی ۶۸,۳ درصد است. این آمار در سال ۱۳۹۵ این‌گونه تغییر می‌کند: مجموع خانه‌های مسکونی، ۲۲ میلیون و ۸۲۵ هزار و ۴۶ خانه که سهم خانه‌های آپارتمانی، هشت میلیون و ۹۷۵ هزار و ۶۲۴ خانه، یعنی ۳۹,۳ درصد و سهم خانه‌های غیرآپارتمانی، سیزده میلیون و ۸۴۹ هزار و ۶۲۴ خانه، یعنی ۶۰,۷ درصد است. با توجّه به این آمار، باید گفت: خانه‌های آپارتمانی نسبت به سرشماری سال ۱۳۹۰، دو میلیون و ۶۳۳ هزار و ۲۳۷ خانه و تعداد خانه‌های غیرآپارتمانی تنها ۲۳۷ هزار و ۳۰۳ خانه افزایش داشته است. ناگفته نماند که در این آمار، هم واحدهای مسکونی شهری و هم روستایی، در نظر گرفته شده است. اما آمار خانه‌های شهری در سال ۱۳۹۵ این‌گونه است: آپارتمانی: هشت میلیون و ۶۳۶ هزار و ۴۷۵ و خانه‌های غیرآپارتمانی: هشت میلیون و ۸۱۵ هزار و ۶۱۹ خانه.

این آمار نشان می‌دهد که فرهنگ خانه‌سازی در جامعه ایرانی؛ بویژه در شهرها، به شدّت رو به سوی آپارتمان‌نشینی در حال تغییر است.

سؤالات جدی و مهمی در این میان وجود دارد که نباید به راحتی از کنار آنها گذشت:

آیا امروزه آپارتمان‌نشینی، ضرورتِ ناگزیر جامعهٔ ایرانی است؟
 منهای این ضرورت، آیا آپارتمان، توانایی تأمین آرامش
 خانواده را دارد؟

برای تغییر مسیر فرهنگ خانه‌سازی از آپارتمان‌نشینی به سوی
 خانه‌های مستقل و حیاط‌دار، چه باید کرد؟

اگر به هر دلیلی بناست در آپارتمان زندگی کنیم، چه مسائلی
 را باید مراعات کنیم تا از آرامشی که باید در خانه داشته باشیم،
 محروم نشویم؟ به عبارت دیگر، الزامات آپارتمان‌نشینی چیست؟

کتاب *یادتان به خیر، خانه‌های اجدادی!* وظیفهٔ خود را پاسخ
 دادن به این پرسش‌ها می‌داند. در بخش اول این کتاب با موضوع
 «معماری و زندگی»، در سه فصل، تبعات زندگی آپارتمانی را بررسی
 کرده‌ایم. در فصل اول از آثار آپارتمان‌نشینی بر شادابی اعضای
 خانواده گفته‌ایم. فصل دوم را به تبعات آپارتمان‌نشینی در تربیت
 فرزند اختصاص داده‌ایم و موضوع فصل سوم، آپارتمان‌نشینی و
 روابط فAMILI است.

با خواندن مباحث بخش اول، برای بسیاری از شما این سؤال
 پیش می‌آید: برفرض که همهٔ تبعات آپارتمان‌نشینی را قبول کنیم،
 مگر می‌شود در مقابل فرهنگ آپارتمان‌نشینی مقاومت کرد؟!
 بخش دوم این کتاب هم به پرسش‌های مختلف شما در این زمینه
 پاسخ داده است.

آنچه دربارهٔ تبعات زندگی آپارتمانی در این کتاب آمده، به این
 معنا نیست که همهٔ کسانی که در آپارتمان زندگی می‌کنند، همین
 امروز به خانه‌های سنتی و حیاط‌دار اسباب‌کشی کنند. ما این را

می‌دانیم که این امکان، برای بسیاری از افراد وجود ندارد. از همین رو، بخش سوم این کتاب، به فرهنگ آپارتمان‌نشینی اختصاص یافته است. فصل اول از این بخش، دربارهٔ حقوق همسایگان سخن گفته و در فصل دوم هم راه‌کارهایی برای کم کردن از آسیب‌های زندگی آپارتمانی آمده است.

این کتاب، برگردانی از پانزده برنامهٔ «پرسمان تربیتی خانواده» است که بهار و تابستان سال ۱۳۹۶ در رادیو معارف اجرا شد. از همهٔ شنوندگان رادیو معارف که با مشارکت و پرسش‌های خود، ما را در پویایی هر چه بیشتر این مباحث یاری کردند، بسیار سپاس‌گزاریم. امید است این کتاب بتواند پنجرهٔ جدیدی را به روی شما بگشاید تا در کنار آن بتوانید نگاه متفاوتی به خانه و خانواده داشته باشید.

محسن عباسی ولدی
شهر بانوی کرامت؛ قم
تابستان ۱۳۹۷

بخش اول
• نقشِ نقشهٔ خانه در آرامش •



(معماری و زندگی)

نقشهٔ بعضی از خانه‌ها طوری است
که باید روی سردرشان نوشت: «از پذیرش آرامش معذوریم!»



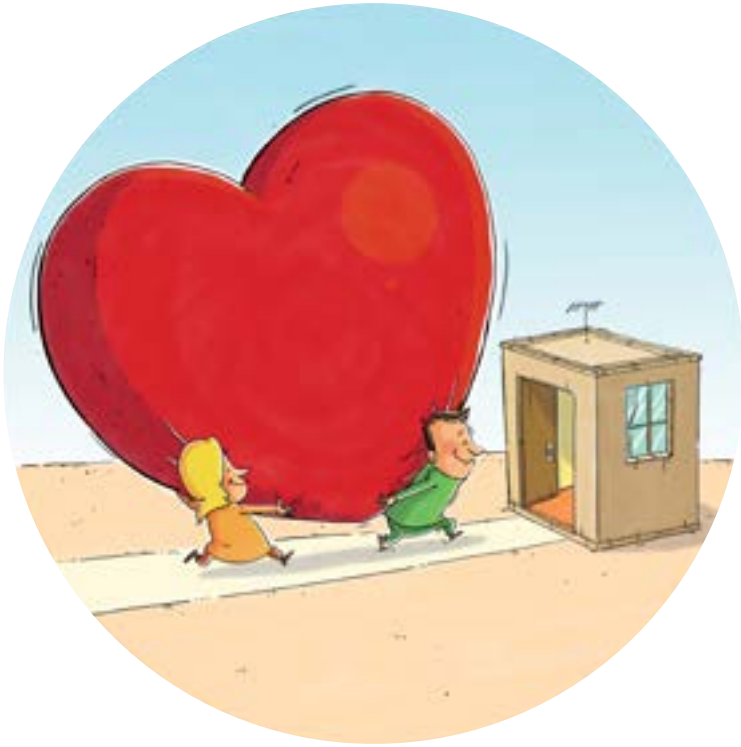
به طور کلی، چه در میان انسان‌ها و چه حیوانات و حتی برای گیاهان و موجودات به ظاهر بی‌جان، محلّ قرار گرفتن و سکونت، از اهمیت خاصی برخوردار است. مثلاً در باره‌ی نوع خاصی از سنگ، می‌گویند: اگر در مناطق سردسیر روی دیوار خانه‌ها استفاده شود، ترک بر می‌دارد و باید در مناطق گرم یا معتدل باشد. در باره‌ی یک گیاه می‌گویند باید در خانه؛ اما در معرض نور آفتاب باشد و اگر در جای بدون سقف یا دور از نور باشد، پژمرده می‌شود. گلدان این گیاه، باید بزرگ باشد و خاک گلدان هم باید نرم باشد. در باره‌ی یک حیوان می‌گویند: این باید در جایی نگه‌داشته شود که نه سرد باشد، نه گرم. اگر جای این حیوان تنگ باشد و نتواند جست و خیز کند، زود مریض می‌شود. بنا بر این، رابطه‌ی میان مکان زندگی و قرار گرفتن در مسیر هدف زندگی، در میان موجوداتی غیر از انسان هم، روشن و آشکار است.

امروزه رابطه‌ی سبک معماری خانه با ابعاد مختلف زندگی، به قدری روشن شده که به نظر می‌رسد برای اثبات اصل این ارتباط، نیاز چندانی به استدلال و توضیح نداریم. کافی است همه‌ی ما اندکی دقت کنیم تا این رابطه را در ابعاد مختلف، به وضوح ببینیم.

ما در این کتاب، وقتی تفاوت‌های میان خانه‌های دورهٔ مدرن یا همان آپارتمان را با خانه‌های سنتی برمی‌شمریم، معلوم می‌شود که تا چه اندازه میان معماری و زندگی، رابطهٔ تنگاتنگی وجود دارد. در بخش اول از این کتاب، مقایسه‌ای میان خانه‌های سنتی و مدرن انجام می‌گیرد تا به تبعات تغییر سبک زندگی در حوزهٔ خانه‌سازی، پی ببریم.

فصل اول

ارتباط شادابی خانواده با در و دیوار خانه



(آپارتمان نشینی و شادابی اعضای خانواده)

گاهی مقصد عواها، آدم‌ها نیستند. کمی به چشم و ابروی در و دیوار نگاه کن، شاید آنها هم مقصد باشند!



• | آپارتمان‌نشینی و شادابی

اعضای خانواده برای برقراری رابطه موفق در محیط خانه، نیازمند شادابی و نشاط هستند. وقتی که خانه، نشاط و شادابی لازم را برای اعضای آن ایجاد نمی‌کند؛ و حتی رباینده نشاط هم هست، زمینه تنش در میان اعضای خانواده، به شدت افزایش پیدا می‌کند. ما براساس دست کم هفت دلیلی که خواهیم گفت، براین باوریم که خانه آپارتمانی، توان تأمین نشاط و شادابی لازم و کافی برای ساکنان خود را ندارد. وقتی که مرد، خسته از کار بیرون به خانه می‌آید، خانه آپارتمانی توان زدودن خستگی از جان او را ندارد. زن هم که از صبح تا بعد از ظهر مشغول کار خانه است، نمی‌تواند از محیط آپارتمان، انرژی لازم را بگیرد. وقتی که مرد به خانه می‌رسد، در اصل یک زن و مرد خسته و بی‌نشاط به هم رسیده‌اند. آستانه تحمل این دو، به شدت پایین است. کوچک‌ترین عامل خلاف میل، می‌تواند میان این زن و مرد بی‌نشاط اختلاف ایجاد کند. بچه‌ای هم که در خانه آپارتمانی از نشاط و شادابی لازم برخوردار نیست، عاملی در جهت افزایش تنش خواهد بود.

الف) مساحت کم و سقف کوتاه

مساحت بسیاری از واحدهای آپارتمانی، به صورت متوسط، بین هفتاد تا هشتاد مترمربع است.^۱ معمولاً در بخش قابل توجهی از این مساحت، دو اتاق خواب، آشپزخانه، سرویس بهداشتی و حمام در نظر گرفته می‌شود. بنا براین، میزان مساحتی که به قسمت نشیمن یا همان سالن اختصاص می‌یابد، به اندازه‌ای نیست که دل‌گشا و نشاط‌بخش باشد. علاوه براین، در سبک زندگی جدید، وسایل بسیاری وارد خانه‌ها شده که در گذشته، در بسیاری از خانه‌ها وجود نداشت. مثلاً امروزه در بیشتر خانه‌ها بخش قابل توجهی از سالن را مبلمان به خود اختصاص می‌دهد. مبلمان اگر چه از نظر جسمی، با خود رفاهی نسبی به همراه می‌آورد؛ اما به شدت در تنگ شدن فضا مؤثر است. خانم‌های خانه خوب می‌دانند که وقتی زمستان تمام می‌شود و بخاری را جمع می‌کنند، چه اندازه فضای خانه بازتر به نظر می‌رسد. حالا فکر می‌کنید مبلمان به اندازه چند بخاری فضای خانه را اشغال می‌کند؟^۲

تنگی خانه، به شدت در کاهش شادابی افراد آن مؤثر است و لذت زندگی را کم می‌کند.

کسی از امام کاظم علیه السلام پرسید: «بالاترین لذت و عیش دنیا

۱. طبق سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، مساحت بیش از ۶۵ درصد خانه‌های مسکونی در ایران، یکصد متر و کمتر است. (پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز آمار ایران)

۲. ما در این جا در صدد تأیید یا ردّ ضرورت مبلمان در خانه نیستیم؛ بلکه در حال بررسی علل تنگنای حاکم بر محیط خانه‌های آپارتمانی هستیم.

چيست؟». فرمود: «وسعت خانه و كثرت دوستان»^۱.

امام صادق عليه السلام فرمود:

برای مؤمن، بزرگی منزل، مایه آسایش است.^۲

اهمیت خانه وسیع، فقط در اندازه رفاه دنیایی نیست. با توجه به آنچه در آینده خواهد آمد، وسعت خانه در دین داری انسان نیز تأثیر ویژه‌ای دارد، تا اندازه‌ای که امیر مؤمنان علی عليه السلام فرمود:

سه چیز است که مایه نجات توست: [اول آن که] زبانت را حفظ کنی. [دوم آن که] برگناه و خطای خویش گریه کنی و [سوم آن که] خانه‌ات وسعت لازم برای تو را داشته باشد.^۳

این که امام عليه السلام می‌فرماید: «خانه وسعت لازم برای تو را داشته باشد»، از این روست که کوچک و بزرگ بودن خانه، بر حسب نیاز هر فردی، متفاوت است. ممکن است خانه‌ای برای فردی بزرگ باشد و همان خانه برای دیگری کوچک باشد؛ زیرا فرد اول، فرزندان کمتری دارد و یا رفت و آمد مهمان به خانه‌اش کم است؛ اما فرد دوم، فرزندان و مهمان‌های بیشتری دارد.

از کنار مسئله خانه وسیع، نمی‌شود به راحتی گذشت. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با تمام عظمتی که دارد، از خداوند خانه وسیع طلب می‌کند و می‌فرماید:

۱. أَنَّ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام سُئِلَ عَنِ فَضْلِ عَيْشِ الدُّنْيَا. قَالَ: «سَعَةُ الْمَنْزِلِ وَ كَثْرَةُ الْمُجِيبِينَ» (الكافي، ج ۶، ص ۵۲۶).

۲. «لِلْمُؤْمِنِ رَاحَةٌ فِي سَعَةِ الْمَنْزِلِ» (مكارم الاخلاق، ص ۱۲۵).

۳. «ثَلَاثٌ مُنْجِيَاتٌ: تَكْفُّ لِسَانِكَ وَ تَبْكِي عَلَى خَطِيئَتِكَ وَ يَسْعُكَ بَيْتُكَ» (المحاسن، ج ۱، ص ۴).

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَوَسِّعْ لِي فِي دَارِي، وَبَارِكْ لِي فِي رِزْقِي.^۱
خداایا! گناه مرا ببخش و خانه‌ام را وسیع بگردان و روزی مرا
برکت ده.

علاوه بر این، رسول خدا ﷺ به کسی که از تنگی و کوچکی
خانه خویش گلایه کرد، نفرمود که «عیبی ندارد و با این خانه بساز»؛
بلکه فرمود:

صدایت را تا می‌توانی بالا ببر و از خدا بخواه که خانه‌ات را
وسعت بخشد.^۲

جالب است که رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «صدایت را تا
می‌توانی، بالا ببر»؛ در حالی که طبق نص صریح آیات قرآن کریم،
خدا به ما نزدیک است؛ حتی از رگ گردن به ما نزدیک‌تر است^۳ و
صدای ما را می‌شنود و دعا که می‌کنیم، پاسخ می‌دهد.^۴ داشتن
خانه وسیع، چه اندازه اهمیت دارد که رسول خدا ﷺ توصیه
می‌کند به هنگام درخواست آن از خداوند مهربان، صدایت را تا
می‌توانی بالا ببر؟

به نظر می‌رسد صراحت این روایات، به اندازه‌ای است که دیگر

۱. نهج الفصاحة، ص ۲۵۱.

۲. «إِرْفَعْ صَوْتَكَ مَا اسْتَطَعْتَ وَ سَلِّ اللَّهُ أَنْ يُوَسِّعَ عَلَيْكَ» (الكافی، ج ۶، ص ۵۲۶).

۳. «وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ؛ وَ مَا أَرْكَبُ قَلْبِي، بَعْدَ أَنْ نَزَلْتُ مِنْ رِجْلِي» (سوره ق (۵۰)، آیه ۱۶۹).

۴. «وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أَجِيبْ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلَيْسَتْ جِيبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ؛ وَ هَنَاقِي كَمَا بَدَأْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ تَرْتَابِي مِنْ نَارٍ» (سوره بقره (۲)، آیه ۱۸۶).

نمی‌توان وسعتی را که در این روایات آمده، به «وسعت خانه دل» تفسیر کرد.

البته اینها به این معنا نیست که اگر کسی توانایی تهیه خانه وسیع را نداشت، نمی‌تواند بهره خویش را از دنیا ببرد. بی تردید، اگر کسی به جهت ناداری، توانایی تهیه خانه وسیع را نداشت، باید صبر کند و همین صبر، مایه رشد و تعالی او خواهد شد. توصیه به صبر، تنها برای کسانی است که توانایی خرید منزل وسیع را ندارند؛ اما کسانی که شرایط لازم برای خرید چنین منزلی را دارند، نباید به دلایل واهی، از این امر مهم صرف نظر کنند.

امام رضا علیه السلام خانه‌ای خرید و به یکی از دوستان خود امر نمود به آن خانه نقل مکان کند و فرمود: «منزل تو تنگ است». آن شخص گفت: «این خانه را پدرم بنا کرده است». امام علیه السلام فرمود: «اگر پدر تو نادان بود، آیا سزاوار است که تو نیز مانند او باشی؟!»^۱.

چند نکته قابل تأمل در این روایت وجود دارد:

اول: امام رضا علیه السلام از پول خود، برای یکی از دوستانش خانه می‌خرد. پس معلوم می‌شود مؤمنانی که توانایی مالی دارند، نباید نسبت به خانه‌دار کردن دوستان خویش بی‌اعتنا باشند.

دوم: این فرد خانه دارد؛ اما خانه‌اش کوچک است. داشتن خانه بزرگ چه قدر اهمّیت دارد که امام رضا علیه السلام اقدام به خرید خانه بزرگ برای این فرد می‌کند!

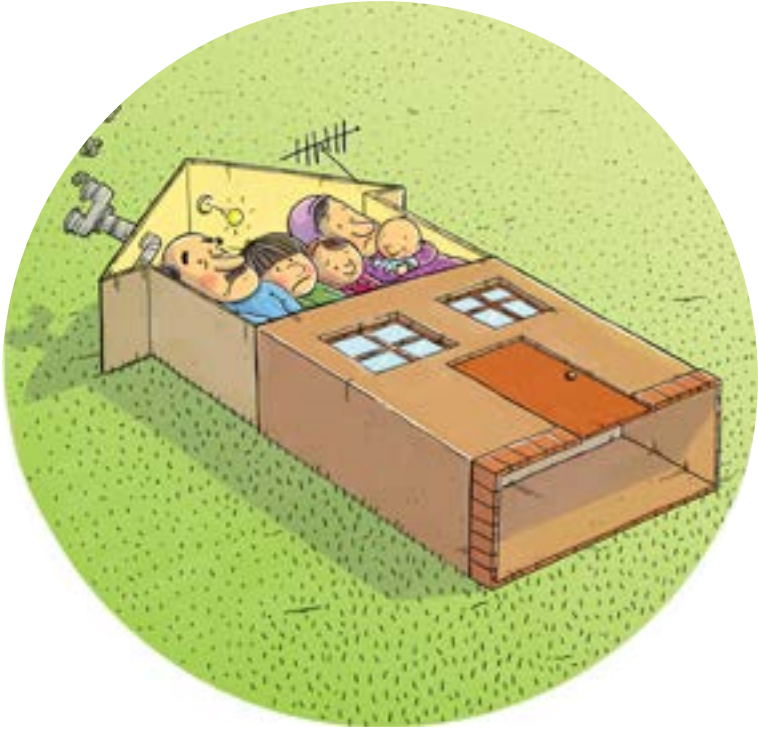
۱. إِنَّ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام اشترى داراً وأمر مولى له أن يتحوّل إليها وقال: «إنّ منزلك ضيق» فقال: قد أحدث هذه الدار أباي. فقال أبو الحسن علیه السلام: «إن كان أبوك أحقق ببنّعي أن تكون مثله؟!» (الكافي، ج ۶، ص ۵۲۵).

سوم: نشستن در خانه کوچک با وجود مهیّا بودن شرایط برای سکونت در خانه بزرگ، نشانه زهد نیست؛ نشانه نادانی است. چهارم: احترام به خانه آباء و اجدادی هم نمی‌تواند دلیل قابل قبولی برای محروم ماندن از یک خانه بزرگ‌تر باشد. مذمت خانه کوچک، تنها با همین روایت اثبات نمی‌شود. روایات دیگری هم هست که نشان می‌دهد دین نسبت به خانه‌های تنگ و کوچک، نگاه مثبتی ندارد. مثل این روایت که امام باقر علیه السلام فرمود:

یکی از تیره روزی‌ها، تنگی خانه است.^۱

همه این حرف‌ها، در باره کم بودن مساحت خانه است. مساحت کم را باید کنار سقف کوتاه واحدهای آپارتمانی گذاشت که از خانه، یک فضای تنگ و دلگیر می‌سازد. در حال حاضر، سازندگان واحدهای آپارتمانی مجازند که ارتفاع کف تا سقف خانه را دو متر و هفتاد سانتی متر (۲٫۷۰) در نظر بگیرند و به صورت معمول هم ارتفاع واحدهای آپارتمانی، چندان بیش از این نیست. اگر چه امکان در نظر گرفتن ارتفاع بیشتر نیز وجود دارد؛ اما به دلایل مختلف، در ساخت واحدهای آپارتمانی این کار انجام نمی‌شود. چنین فضایی، در تنگ شدن خلق انسان، به شدت مؤثر است؛ فضایی که خانه را شبیه به زندان کرده و حس حبس را به او تلقین می‌کند. انسان معمولاً از این فضا فراری است و دوست دارد در هر فرصت ممکن، از آن بیرون بیاید. یکی از دلایل گرایش

۱. «من شقاء العیش ضیق المنزل» (الکافی، ج ۶، ص ۵۲۶).



مساحت کم، سقف کوتاه، خُلق تنگ و ...



زیاد به سفرهای درون شهری و برون شهری در نسل امروز، همین حسّی است که نسبت به خانه‌های آپارتمانی وجود دارد. انسان به شدّت، از محدودیت فراری است. خانه‌های آپارتمانی، استاد القای محدودیت هستند.



یادش به خیر اون روزا! دلمون که می‌گرفت، می‌اومدیم تو حیاط می‌شستیم کنار باغچه. به آبی به درختا می‌دادیم و با بوی خاکی که بلند می‌شد، صفا می‌کردیم. مادرمون زغالاً رو آتیش می‌کرد و سماور زغالی رو راه می‌نداخت. صدای قُل قُل سماور کنار این باغچه، یکی از قشنگ‌ترین آهنگایی بود که می‌شد دم غروب شنید و کیف کرد. سبزی‌های باغچه، خوب بزرگ شده بودن و داشتن داد می‌زدن که ما منتظر چیده شدنیم و دلمون برا نشستن کنار نون و پنیر، تنگه! آخ که چه حالی داشت دورهمیای اون روزا!



از یک زاویهٔ دیگر هم می‌شود به تأثیر کمی مساحت خانه در کاهش شادابی نگاه کرد. هر یک از اعضای خانواده در طول روز یا هفته، نیاز به خلوت دارند. این نیاز، در مواردی ضرورت پیدا می‌کند. مثلاً ممکن است زن یا شوهر به دلیل خستگی یا هر دلیل دیگری، حوصلهٔ سرو صدا را نداشته باشند. در این صورت، باید به اتاق دیگری بروند؛ اما در آپارتمان‌های تُقّلی، اتاق‌های دیگر نمی‌تواند آن خلوت آرامی را که فرد به دنبال آن است، تأمین کند. حضور اجباری فرد بی‌حوصله در میان جمع خانواده، یعنی مهیّا بودن این جمع برای تنش و اصطکاک. حالا که از اهمیت خانهٔ بزرگ سخن گفتیم، این نکته ناگفته نماند که با همهٔ توصیه‌ای که دین به وسعت خانه کرده است، به

شدت از این که فردی بنایی بیش از حد نیازش بسازد، نهی شده است. امام صادق علیه السلام فرمود:

هربنایی که بیش از نیاز باشد، در روز قیامت وبال گردن صاحب اوست.^۱

امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز فرمود:

یکی از رنج‌ها این است که انسان چیزی را فراهم آورد که نمی‌خورد، و بنایی بسازد که در آن سکونت نمی‌کند و پس از آن به جانب خداوند متعال می‌رود؛ در حالی که نه مالی با خود می‌برد و نه بنایی را [به آن سو] منتقل می‌کند!^۲

در روایات اهل بیت علیهم السلام از ساختن خانه‌هایی که سقف بلندی دارند، نهی شده است. برای نمونه، امام صادق علیه السلام فرمود:

ارتفاع خانه باید هفت یا هشت ذراع باشد که بیشتر از آن، مسکن شیطان خواهد بود.^۳

و باز هم ایشان فرمود:

هر انسانی که [خانه‌اش را] بلندتر از هشت ذراع بسازد، منادی آسمانی به او ندا کند که: ای فاسق! تا کجای خواهی بروی؟^۴

۱. «كُلُّ بِنَاءٍ لَيْسَ بِكَفَافٍ فَهُوَ وَبَالَ عَلَىٰ صَاحِبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (الكافی، ج ۶، ص ۵۳۱).

۲. «مِنَ الْعَنَاءِ أَنَّ الْمَرْءَ يَجْمَعُ مَا لَا يَأْكُلُ وَيَبْنِي مَا لَا يَسْكُنُ، ثُمَّ يَخْرُجُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى لَا مَالًا حَمَلٌ وَلَا بِنَاءً نَقَلَ» (تهجج البلاغه، خطبه ۱۱۴).

۳. «سَمَكَ النَّبِيتُ سَبْعَةَ أَذْرُعٍ أَوْ ثَمَانٍ أَذْرُعٍ فَمَا فَوْقَ ذَلِكَ فَمَحْضَرٌ لِلشَّيَاطِينِ» (مکارم الاخلاق، ص ۱۲۶).

۴. «مَا يَبْنِي إِنْسَانٌ فَوْقَ ثَمَانِيَةِ أَذْرُعٍ إِلَّا وَ يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ إِلَىٰ أَيْنَ تُرِيدُ يَا فَاسِقُ؟!» (همان، ص ۱۲۷).

ایشان در روایت دیگری فرمود:

هیچ انسانی، سقف خانه‌اش را از هشت ذراع، بلندتر نسازد، مگر آن که شیطان در آن جا (بالاتر از هشت ذراع) پناه می‌گیرد. در این صورت، لازم است بر آن آیه الکرسی نوشته شود تا شیطان در آن پناه نگیرد.^۱

رسول خدا ﷺ نیز در روایتی که از حقوق همسایه سخن می‌گویند، می‌فرمایند:

کسی نباید خانه‌اش را به قدری مرتفع بسازد که با اِشْرَاف بر خانه همسایه و سدّ کردن راه باد، موجب آزار و اذیت همسایه‌ها بشود.^۲

حال ممکن است برای کسی، این سؤال پیش بیاید که: آیا این گونه روایات، با آنچه در باره مذمت سقف‌های کوتاه گفته شد، در تضاد نیست؟
پاسخ این است که با دقت در این روایات، به چند نکته می‌توان دست یافت:

اول: حدّ اکثر ارتفاعی که در این روایات، مجاز دانسته شده، از ارتفاع خانه‌های حیاط‌دار ما هم بیشتر است؛ چه رسد به خانه‌های آپارتمانی. اکنون بسیاری از خانه‌های حیاط‌دار و غیر آپارتمانی، حدّ اکثر سه متر و بیست سانتی متر (۳٫۲۰) ارتفاع

۱. «ما من إنسان یبني فوق ثمانية أذرع إلا و يَأوي الشيطانُ فيما فوق ثمانية أذرع و الواجبُ أن يُكتبَ له فيه آيةُ الكرسي حَتَّى لا يَأوي فيه الشيطانُ» (همان).

۲. «لا يَسْتَطِيعُ عَلَيْهِ بِناءِ سَكْنِهِ فَيُؤْذِيهِ بِإِشْرَافِهِ عَلَيْهِ وَ سَدِّهِ مَنَافِذَ الرِّيحِ عَنْهُ» (مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۲۷).

دارند؛ در حالی که این روایات تا چهار متر را جایز دانسته‌اند.^۱ این ارتفاع با ارتفاع خانه‌های آپارتمانی که کمتر از سه متر است، اصلاً قابل قیاس نیست.

دوم: طبق روایت رسول خدا ﷺ، دلیل نهی از ارتفاع بیشتر، پرهیز از مزاحمت برای امنیت و رفاه همسایه است.

سوم: از این که در روایتی، ارتفاع بیش از چهار متر به شرط نوشتن آیه الکرسی جایز دانسته شده، معلوم می‌شود که ارتفاع زیاد در صورتی که مزاحمتی برای همسایه‌ها ایجاد نکند، اشکالی ندارد.

چهارم: گاهی ساختن خانه مرتفع، برای به رخ کشیدن ثروت و مایهٔ فخر فروشی است. این کار از نگاه دینی، به شدت مذمت شده و حتی اگر مزاحم همسایه‌ها هم نشود، ممنوع است.

رسول خدا ﷺ فرمود: «اگر کسی به قصد ریا یا سُمعه^۲ بنایی بسازد، این بنا را تا زمین هفتم در حالی که به صورت آتشی در گردن اوست، بروی حمل می‌کنند و او را در آتش می‌افکنند. چیزی این شخص را از سقوط به قعر جهنم حفظ نمی‌کند؛ مگر این که توبه کند».

عرض شد: «ای رسول خدا! بنا ساختن از روی ریا و سُمعه، به چیست؟».

فرمود: «این که انسان بیش از نیاز خود و به قصد فخر فروشی

۱. هر ذراع، حدود نیم متر است. در این روایات، تا هشت ذراع جایز دانسته شده است که می‌شود چهار متر.

۲. ریا، انجام دادن کاری است به قصد این که دیگران ببینند و تعریف کنند، و سُمعه، انجام دادن کاری است به این قصد که به گوش دیگران برسد و مایهٔ مباحثات شود.